

# بررسی ویژگی‌های معلمی و روش تدریس

## استاد شهید مطهری

جابر کریمی جشنی \* - دکتر احمد رضا نصر اصفهانی \*\*

### مقدمه:

همه‌ی علمای راستین اسلام اسوه‌ی علم و تقوا هستند و تأثیر اخلاق اسلامی در همه‌ی اعمال و رفتارشان مشهود است. به همین دلیل، شیوه‌ی تعلیم و تربیت آنان می‌تواند برای همه‌ی معلمان سرمشق و الگو باشد و بجاست دانش‌پژوهان تعلیم و تربیت برای کشف شیوه‌های تعلیم و تربیتی آنان تحقیقات لازم را انجام دهند. مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (ره) که به حق یکی از علمای اسلام، معلمی کامل و شیفته‌ی علم و دانش بود و تدریس را به عنوان عبادت و وظیفه‌ی دینی انجام می‌داد و چه بجاروز شهادت ایشان را، روز معلم نام نهاده‌اند. لذا هدف این مقاله بررسی ویژگی‌های معلمی و روش تدریس استاد مطهری است که با استفاده از دیدگاه‌های شاگردان با سابقه‌ی ایشان و تعدادی از صاحب‌نظران استخراج شده است. علاوه بر آن، برای بررسی عمیق‌تر و تخصصی موضوع، ده عدد از نوارهای تدریس و سخنرانی ایشان با عناوین اهداف روحانیت، عبادت و دعا (۲ نوار)، فلسفه اخلاق (۲ نوار)، خدا و زندگی انسان، تدریس شرح منظومه (۲ نوار) و معاد نیز بررسی شده است. نتایج به دست آمده در ۷ بخش زیر دسته‌بندی شده‌اند که در این مقاله به تشریح آنها می‌پردازیم:

- ۱ - عبادت دانستن معلمی
- ۲ - تسلط بر مطالب درسی
- ۳ - شیوه‌ی ارائه درس
- ۴ - داشتن جامعیت علمی و تواندیشی در تدریس و تحقیق
- ۵ - ساده‌گویی و پاسخ به اشکالات
- ۶ - رعایت اخلاق و نظم در همه حال

### عبادت دانستن معلمی

با بررسی نقش عبادات در اسلام به این حقیقت می‌رسیم که یکی از ویژگی‌های عبادات گسترش آن به جوانب مختلف زندگی

است. عبادات، مخصوص به شکل معینی از شعائر اسلامی نیست و منحصر به اعمالی که فقط نشان دهنده‌ی تعظیم و خضوع در برابر خدا باشد، مانند رکوع و سجود نمی‌باشد، بلکه به همه‌ی جوانب فعالیت‌های انسانی کشیده می‌شود. در واقع، بندگی در متن زندگی قرار دارد.

این گستردگی پرستش، جنبه‌ی وسعت تربیت اسلامی است که می‌کوشد تا انسان را در همه کارها و فعالیت‌ها به خدا مربوط سازد. عبادت دانستن امور، اراده‌ی قوی و فراگیر را در انسان پرورش می‌دهد و در حقیقت انسان را از سایر حیوانات جدا می‌سازد و همواره انسان را در مراقبت و در یاد خدا بودن نگه می‌دارد (محمدی، ۱۳۶۰، ص ۸). نمونه‌ی این الگو در وجود استاد شهید مطهری متبلور است که تدریس و معلمی خویش را نیز نوعی عبادت تلقی می‌کرد. به همین جهت هرگاه تدریس درسی را ضروری می‌یافتند و تدریس آن را می‌پذیرفتند، به کم و کیف افراد و چند و چون جلسه درس مقید نبودند و در هر جا که میسر می‌شد، درس را برقرار می‌کردند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷).

ایشان تدریس را به عنوان عبادت و وظیفه‌ی دینی انجام می‌دادند. از این رو همواره با وضو به کلاس می‌آمدند و حضور ایشان آن چنان روحانیتی به مجلس می‌بخشید که مستمع با تمام وجود، معنویت و قداست آن را می‌پذیرف (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۸۴). نوارهای موجود نشان می‌دهد که استاد همیشه کلاس درس خود را با نام و حمد و ستایش خداوند و استعانت از درگاه او و ذکر چند آیه‌ی قرآن شروع می‌کردند و با یاد او به پایان می‌بردند.

این اعتقاد موجب می‌شود تا انسان علاوه بر جنبه‌ی عبادی دادن

\* کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی

\*\* استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

به‌امور، هیچ‌گاه خسته نشود. زیرا تدریس با کیفیت، کار پر مشقت و پرز حتمی است.

### تسلط بر مطالب درسی

استاد مطهری از لحاظ تعلیم و تدریس، مدرسی کم نظیر بود. دقت و موشکافی عمیقی که در مسائل داشت، تشریح جالبی که از مطالب می‌کرد و بیان روشن او هنگام تدریس، باعث می‌شد تا مطالب درس به‌طور واضح در اختیار شاگردان قرار گیرد (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۶۳). ایشان علاوه بر عمق و وسعت معلومات، بیان گرم و دلنشینی نیز داشت و این امر بیش از پیش سبب گرمی محضر ایشان می‌شد (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲). ایشان در تحقیقات علمی هیچ‌گاه به‌نقل قول بسنده نمی‌کرد، شکافدهی موضوعات علمی بود و در موضوعات مورد تحقیق، چنان مسلط می‌گردید که بتواند درباره‌ی آن به‌قضاوت بنشیند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶). در ارتباط دادن علوم و معارف به‌یکدیگر تسلط داشتند ولی این ارتباط را در جای خود نشان می‌دادند تا از این شاخه به‌آن شاخه رفتن پرهیز کنند. ایشان گاهی چهره‌ی یک موضوع را در چند آینه، یک بار در آینه فلسفه، یک بار از بعد عرفانی و یا در بعد روان‌شناسی نشان می‌دادند و این نتیجه تسلط ایشان به شاخه‌های مختلف علوم بود (باقی نصر آبادی، ص ۱۵۹).

در همین راستا، حجة‌الاسلام طاهری خرم‌آبادی یکی از شاگردان استاد معتقد است: کسی که بحثی برای خودش کاملاً هضم شده و آن را باور کرده باشد، به‌خوبی از عهده‌ی القای آن به‌دیگران بر می‌آید. استاد شهید مطهری علاوه بر تسلط بر نظرات بزرگان، خودشان اهل نظر بودند. خصوصیت دیگر ایشان گستردگی معلوماتش بود و بر مسائل فقهی و غیر فقهی تسلط داشتند و تا مطلبی را نمی‌دانستند، تدریس نمی‌کردند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۶۰).

از نظر حجة‌الاسلام حجتی: استاد مطهری در کلاس درس رأی و نظر عمیق و سنجیده خویش را در کنار نظریه‌ی دیگران بیان می‌کردند و در رد یا تأیید نظریه‌ی دیگران استدلال‌های جالبی داشتند (جمعی از فضلا، ۱۳۶۶، ص ۶۳).

بیشتر ما نقل قول کننده‌ی مطالب دیگران هستیم ولی اگر بتوانیم اندیشه‌ها و مطالب دیگران را مورد نقد و بررسی عالمانه

قرار دهیم و بتوانیم در مورد درستی یا نادرستی آنها قضاوت کنیم، یک مرتبه‌ی عالی در علم و دانش محسوب می‌شود.

### شیوه‌ی ارائه درس

شهید مطهری سعی می‌کردند خیلی آسان و بی‌تکلف بهترین طرح و توجیه را در مطالب که بسیاری از آنها جنبه‌ی ابتکاری داشت، بیان دارند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷). قبل از حضور در کلاس درس، مقید بودند که پیش مطالعه کنند و مطالب را در ذهن خود مرتب سازند. در برخی از کنفرانس‌های تحقیقاتی، ایشان یادداشت‌های حاوی رئوس مطالب مورد بحث را همراه داشتند. در کلاس‌های خصوصی اگر فرصت مطالعه پیدا نکرده بود، به‌هیچ وجه از بازگو کردن مسأله ابا نمی‌کرد و از شاگردان می‌خواست که در وقت دیگری در کلاس حضور پیدا کنند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۱۱).

استاد مطهری مقید بودند که در آغاز درس، مطالب عمده و اصلی بحث را که قبلاً مطرح شده بود، یادآوری کنند. این کار باعث می‌شد تا ارتباط مطلب با گذشته حفظ شود (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۷۶). از جمله شیوه‌های دیگر ایشان در تدریس، بیان سیر تاریخی مطالب بود که معمولاً قبل از ورود به‌اصل مطلب بیان می‌کردند. ایشان سیر تحول و تطور آن علم را با توجه به‌احاطه‌ای که بر اقوال گذشتگان داشتند، از ابتدا تا زمان حاضر تشریح می‌کرد و بدین نحو فرآگیری دروس را آسان‌تر می‌ساخت تا شاگرد نپندارد که این بحث نوظهور است و در این خصوص نظریات متفکرین غربی را نیز می‌آوردند و به‌واسطه همین مقدمه‌چینی مناسب، توجه مخاطبین جلب می‌شد.

تدریس استاد مطهری غالباً جهت‌دار بود و شاگردان ایشان می‌فهمیدند که هر بحثی به‌چه درد می‌خورد و در کجا کاربرد دارد. این طور نبود که یک مطلب انتزاعی فقط به‌صورت سلسله بحث‌های لفظی جلوه‌گر شود (سید ناصری و ستوده، ۱۳۷۸، ص ۲۷۰). در بیان هر مبحثی استاد می‌کوشید تا ارتباط آن را با سایر علوم روشن سازد. هم‌چنین، مقید بودند ارتباط مسائلی و مباحثی را که تدریس می‌کرد با مسائل جاری زمان خود روشن سازد و کاربرد علوم را مشخص نماید. همین امر سبب شده بود که تدریس ایشان جذابیت خاصی داشته باشد (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳).

نویسندگان مقاله حاضر در بررسی نوار سخنرانی‌ها و درس‌های استاد دریافتند که ایشان در مقدمه، ابتدا توضیحاتی کلی در مورد مطالب جلسات گذشته ارائه می‌دهند و سپس مباحث تاریخی موضوع را توضیح می‌دهند. بعد از مقدمه که حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه طول می‌کشد ابتدا موضوع درس را به صورت لغوی و اصطلاحی بیان می‌کنند و سپس مطالب را به تفصیل توضیح می‌دهند.

شیوهی استاد تقریباً در همه‌ی کلاس‌ها و در تمام دروس بدین‌گونه بود که پس از تقریر منظور نویسنده و احیاناً شارحان متن، به نقد و بررسی آنها می‌پرداخت، در انتهای بحث رأی و نظر خود را بازگو می‌کرد و شاگردان را تشویق به ارائه نظر و رأی می‌نمود (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲)

در تدریس جنبه‌های اصلی و عمده‌ی بحث را مشخص می‌نمود و آنها را خوب توضیح می‌داد تا شاگردان بتوانند نتیجه‌های فرعی را خوششان به دست آورند. در تنظیم شکل تدریس متبحر بودند و از موضوع درس خارج نمی‌شدند (سید ناصری و ستوده، به نقل از حداد عادل، ۱۳۷۸، ص ۲۶۷) اگر گاهی به موضوع دیگری استناد می‌کردند، آن استفاده به‌جا بود و در واقع ایشان بر معلومات خودشان مدیریت داشتند (باقی نصر آبادی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۴). شهید مطهری با تسلطی که بر آثار و افکار فلاسفه اسلامی داشت، متون فلسفی را به شکل تطبیقی تدریس می‌نمود و در ضمن بیان آرای فلاسفه مسلمان نظیر ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا، افکار بزرگان فلسفه غرب نظیر هگل و کانت را نیز مطرح می‌کرد و از دیدگاه حکمت متعالیه به نقادی در آرا و افکار جدید فلسفی چون پوزیتیویسم و اگزیستانسیالیسم می‌پرداخت. ایشان به مکتب صدر المتألهین وابسته بود و سعی وافری داشت تا ریشه‌های صدرایی را در قالبی نو و هماهنگ به اقتضای زمانی دوران خویش عرضه نماید و در مواضعی که خود به نظریات جدیدی دست یافته بود، دوازده تعصب، بزرگان فلسفه را مورد انتقاد قرار می‌داد و با پایبندی به اصول آن بزرگان، به جستجوگری و مسأله‌یابی در عرصه‌های جدید می‌پرداخت (روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۱، ص ۶).

استاد اگر در بحث کلاس درس متوجه می‌شدند که کسی نظر درستی دارد و بر خلاف نظر ایشان است، آن را می‌پذیرفتند. در نقطه‌ی مقابل اگر مطلبی را درست نمی‌دانستند تسلیم نمی‌شدند.

کمتر می‌شد در هنگام تدریس اشتباه کنند، اما اگر اتفاق می‌افتاد که در نکته‌ای اشتباه کنند و یکی از شاگردان اشتباه را یادآور می‌شدند، می‌پذیرفتند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۶۷). استاد مطهری مطالب را به طور جامع و مانع مورد بحث قرار می‌داد و نتایج و برداشت‌هایی که ممکن است از آنها بشود در نظر می‌گرفت و جای سؤال برای شاگرد باقی نمی‌گذاشت.

در هر کلاسی ایشان استعداد و بنیه‌ی مستمعان و متعلمان را در نظر می‌گرفت و مطالب را متناسب با سطح معلومات جمع عرضه می‌کرد. اگر استعدادی از شاگردانشان می‌دیدند، خوشحال می‌شدند و به او کمک می‌کردند تا استعداد وی پرورش پیدا کند و او را تشویق و تشجیع می‌کردند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۹۵). به نظر آقای واعظزاده (۱۳۶۰، ص ۲۳۷) از خصوصیات مهمی که در به‌کارگیری همه‌ی استعدادهای شاگردان مؤثر است همان خصیصه دوراندیشی است که معلم با محاسبه‌ی دقیق، از هر شاگردی چیزی را بخواهد که در توان و ظرفیت اوست و شهید مطهری دقیقاً این خصوصیت را در کلاس رعایت می‌نمود.

یکی از ویژگی‌های بارز ایشان این بود که با تمام وجود به تدریس می‌پرداختند. شاگردان وقتی پای صحبت ایشان می‌نشستند با تمامی وجود استاد را می‌پذیرفتند، با حرارت و عشق و علاقه و با جدیت تمام مطالب را توضیح می‌دادند. نتیجه‌ی این جدیت و صرف نیرو این بود که شاگرد به هیچ وجه جلسه‌ی درس ایشان را کسل کننده و یکنواخت نمی‌دید.

حجت الاسلام سید محمد باقر حجتی یکی از شاگردان استاد می‌گوید: شهید مطهری هنگام تدریس آن‌چنان غرق در تفکر و هیجان می‌شدند که حتی سرما یا گرمای سخت فضای جلسه درس را احساس نمی‌کردند و عاشقانه سرگرم تفکر و تدریس می‌شدند (همان منبع، ص ۷۷) در همین راستا، سید ناصری و ستوده (به نقل از فاکر، ۱۳۷۸، ص ۳۷۵) اظهار داشته‌اند که استاد مطهری ضمن داشتن بیانی شیوا، شاگردان را با مطالب جالب خود جذب می‌کرد. شاگردان وقتی درس‌های استاد مطهری را گوش می‌کردند، غرق در معنا و مفهوم مطالب می‌شدند نویسندگان مقاله‌ی حاضر در بررسی‌های خود از نوارهای سخنرانی استاد، این چنین دریافتند که ایشان برای تفهیم مطالب، به تناسب از احادیث و تفاسیر آنها، داستان‌های مستند، مثال‌ها و اصطلاحات ملموس استفاده می‌کنند و معمولاً از ادبیات و شعر و آیه‌های قرآن نیز برای

درک و فهم بیشتر مطالب بهره می‌برند. هنگام استفاده از مثال، تَن صدای ایشان مقداری کاسته می‌شود و در عوض هنگام توضیح اصل مطالب و بخصوص نتیجه‌گیری از یک بحث، تَن صدای ایشان زیاد می‌گردد. بر روی جملات و کلمات مهم تأکید می‌نماید و بعضاً آنرا تکرار می‌کند. جهت افزایش تمرکز حواس شاگردان به مفاهیم اصلی درس، از جملاتی مانند (توجه می‌کنید، دقت کنید) استفاده می‌نماید. در جاهایی از سخنرانی خود برای تفهیم بیشتر موضوع بحث، سؤال‌هایی مطرح می‌کند و بعد به پاسخ آن می‌پردازد.

در سخنرانی‌های عمومی خود، جملات را با مکث و کشیدگی بیشتری برای جلب توجه و تفهیم موضوع بحث بیان می‌کند. یکی از مواردی که ایشان خیلی عنایت دارند، روحیه‌ی معنوی دادن به مطالب است که نمونه‌ی آن ذکر مصیبت کوتاه و مستند از ائمه اطهار و ذکر چند دعا برای سعادت همه‌ی مسلمانان جهان در این دنیا و جهان آخرت در پایان سخنرانی‌های عمومی خود می‌باشد. البته این موارد در تدریس‌های ایشان کمتر دیده می‌شود. استاد در جلسات تدریس، معمولاً سخنرانی خود را این‌طور به پایان می‌برد که در جلسه‌ی آینده بر روی چه مطالبی صحبت می‌شود و از شاگردان می‌خواهد در این خصوص مطالعه داشته باشند. در پایان جلسات تدریس خود نیز معمولاً به پاسخ سؤال‌های شاگردان و رفع اشکالات آنان می‌پردازد.

## داشتن جامعیت علمی و نواندیشی در

### تدریس و تحقیق

در مسائل علمی کنجکاوی و دقیق بود و برای هر سؤال جوابی از قبل تهیه می‌کرد به گونه‌ای که تا به عمق مطالب پی نمی‌برد، آرام نمی‌گرفت. مطالب را به‌طور جامع و مانع مورد بحث قرار می‌داد و اطراف و جوانب و نتایج و برداشت‌هایی که ممکن است به غلط از آن‌ها شود را در نظر می‌گرفت و جای سؤال برای مستمع باقی نمی‌گذاشت. از خصوصیات ایشان گستردگی معلوماتش بود. در همه‌ی کارهایشان از جمله در تدریس دارای فکر قوی و تحلیل‌گر بودند و قدرت جمع‌آوری مطالب و جمع‌بندی داشتند (جاوید موسوی به نقل از شهید بهشتی، ۱۳۷۷، صص ۱۸۷ و ۱۹۵) از آنجا که فکر قوی داشتند و به‌منطق و فلسفه نیز تسلط کافی داشتند، در هر بحثی که وارد می‌شدند، این توانایی منطقی و فلسفی را در

نحوه‌ی عرضه کردن آن بحث هم اعمال می‌کردند. یکی از ویژگی‌های ایشان نداشتن اعتقاد به برخورد‌های شعاری بود، لذا اندیشه‌ها را با دقت و حساسیت خاصی در همه‌ی زمینه‌ها نقد می‌کرد که با این روش، بی‌محتوا بودن اندیشه‌های انحرافی آشکار و هم‌راه پذیرش منطقی حق هموار می‌شد (روزنامه اطلاعات، ۳۷۹، ضمیمه ص ۳). به‌عنوان مثال، ایشان با جدیت کتاب‌های کمونستی که مسأله‌ی روز و مورد توجه آن زمان بود را مطالعه می‌کرد. به‌نظر آنها آگاه بود و در رد عقاید آنان مقالات و کتاب‌هایی می‌نوشت (فصلنامه فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۰، ص ۷۳).

شهید مطهری به‌دلیل آنکه با دانش خود واقعاً زندگی می‌کرد همیشه مانند باغبانی که به‌باغ خود رسیدگی می‌کند، به‌باغ ذهن خویش رسیدگی می‌کرد و آن را زنده نگه می‌داشت. سعی می‌کرد مطالعه‌اش را قطع نکند و اگر هنگام تدریس به‌کتاب جدیدی برخورد می‌کرد، آن را مطالعه می‌نمود و همیشه برای شاگردان مسائل جدید مطرح می‌کردند. به‌اندیشه‌های معاصران بسیار توجه داشتند و جدیدترین نظریات را ارائه می‌کردند و همین خصوصیات، تدریس ایشان را نو و جذاب می‌ساخت (سید نصری و ستوده به‌نقل از حداد عادل، ۱۳۷۸، ص ۲۶۸).

از آنجا که استاد همیشه تا مرز احتیاجات امروزی شاگرد پیش می‌آمد، همیشه با مسائل تازه تماس داشت، لذا شاگرد وقتی از کلاس ایشان بیرون می‌آمد، برای خودش تعدادی از مسائل نو پیدا می‌کرد که بتواند پیگیری کند. ایشان هم گاهی از شاگردان می‌خواستند که فلان مسأله را تحقیق کنند و یا با تحقیق و تفحص در بحثی به تحقیقات ایشان کمک کنند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۰). استاد مطهری علاوه بر وسعت معلومات، سخت موشکاف و نکته‌سنج و تحلیل‌گر بود. ایشان علاوه بر حاشیه نویسی بر کتاب‌ها، از شیوه‌ی تلخیص و یادداشت‌برداری مطالب مهم نیز سود می‌جست و با روشی منظم، کار فراهم آوردن فیش‌های تحقیقی را دنبال می‌نمود (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۱۵). در کار تحقیق معتقد به پژوهش در زمینه‌های مورد نیاز جامعه بود و از تحقیقات آکادمیک صرف که هیچ مشکلی از مشکلات جامعه را حل نمی‌کرد، سخت احتراز می‌کرد (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۱۶). در ارائه نظریه‌ی صحیح اسلامی ملاحظات دیگر را به‌هیچ وجه مد نظر قرار

نمی‌دادند و پیرامون رفع عقاید انحرافی یا لغزش‌های ایدئولوژیک گروه‌های سیاسی از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷).

می‌دهند. در حین تدریس اگر شاگردی سؤال می‌کرد اگر به‌ادامه می‌توانست توضیح مطالب و تدریس لطمه‌ای وارد نمی‌شد، همان وقت به آن پاسخ می‌دادند.

### ساده‌گویی و پاسخ‌گویی به اشکالات

فخرالدین حجازی در توضیح این ویژگی می‌گوید: استاد مطهری ساده سخن می‌گفت مسائل را چنان از هم باز می‌کرد که چیز ناشناخته‌ای باقی نمی‌گذاشت. هرگز در او آثاری از غرور علمی نبود. در تفهیم مطالب، زیاد از مثال استفاده می‌کردند و مثال‌های بسیار مناسبی هم انتخاب می‌کردند. از نظر حجة الاسلام فضل‌الله محلاتی، شهید مطهری این خصوصیت را داشت که مطالب سنگین را می‌توانست به‌حدی تنزل دهد که به‌اندازه‌ی فهم شنونده باشد. در کتاب‌های گوناگون ایشان که مخاطب‌های مختلف دارند، رعایت این نکته شده است و بسیاری از شاگردان ایشان نیز به این امر اعتراف نموده‌اند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۷۲). آیه‌الله فاضل لنکرانی نیز در این خصوص معتقد است: استاد مطهری مشکل‌ترین مباحث و مسائل فلسفی را که در کمال پیچیدگی است با توجه به ابعاد مختلفش در قالب زبان فارسی به‌گونه‌ای بیان می‌کردند که هر کس با کم‌ترین اطلاع از مسائل فلسفی می‌توانست آن را از تمام جهات درک کند (فضلنامه زنان، ۱۳۸۰، ص ۷۴).

حسین غفاری یکی از شاگردان استاد در این خصوص می‌گوید: استاد مطهری اهل بحث بود در کلاس درس از اشکال و سؤال شاگرد استقبال می‌کرد. هیچ وقت نمی‌شد که بخواید با غلبه استاد بر شاگرد جلوی سؤال و اشکال را گرفته و آن را متوقف کند. گاهی می‌شد که در یک جلسه درس حدود  $\frac{1}{3}$  یا بیشتر از وقت به‌رفع اشکال و گفتن پاسخ می‌گذشت. درسی که می‌دادند از روی واقعیت و اعتقاد به آن موضوعات بود (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۱۶۹). با این وجود اجازه نمی‌دادند شاگردان با سؤال‌های متفرقه مسیر بحث را عوض کنند و اگر کسی سؤال نامربوط می‌کرد به آن سؤال جواب نمی‌دادند (باقی نصر آبادی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۴). نویسندگان در بررسی سخنرانی‌های تدریس استاد دریافتند که استاد مطهری برای تفهیم مطالب، بعضاً خود در حین توضیح مطالب، سؤال مطرح می‌کنند و به شاگردان اجازه می‌دهند که در این خصوص اظهار نظر کنند و بعد خود پاسخ صحیح را ارائه

### رعایت اخلاق و نظم در همه حال

استاد مطهری از اخلاق شایسته‌ای برخوردار بودند و هیچ‌گاه در تدریس بر خوردشان خشونت‌آمیز نبود. برعکس، بسیاری مهربان و خوشرو بودند، به‌اندازه‌ای که اجازه می‌دادند شاگردان مسائل خصوصی و شخصی‌شان را با ایشان مطرح کنند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۶۸). برخورد ایشان با شاگردانش مانند برخورد دو رفیق بود. خیلی با محبت بودند و با شور و حرارت برخورد می‌کردند. استاد مطهری آن‌قدر مهربان بودند که حکم مراد را برای شاگردانشان داشتند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۵۹). حجت‌الاسلام فاکر یکی از شاگردان استاد در توضیح این خصیصه و رابطه‌ی آن با حفظ حرمت استاد و شاگرد می‌گوید: حفظ حرمت معلم مدیون وقار معلم است نه تکبر معلم. معلم باید در عین وقار، بهترین روابط صمیمانه را با شاگردانش داشته باشد (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۵۵). غلامعلی حداد عادل یکی دیگر از شاگردان استاد می‌گوید: با شاگردان روابط پدرانانه داشتند و در واقع وقتی ارتباط شاگرد با ایشان ادامه پیدا می‌کرد به‌نوعی دوستی مبدل می‌شد. روش ایشان به‌نحوی بود که در دل شاگردانشان نسبت به ایشان محبت ایجاد می‌شد (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۹۴). برای رفع اشکال سعی می‌کردند بیان خود را محکم کنند نه اینکه با ادای کلمات خشن و احياناً توهین‌آمیز طرف مقابل را ساکت کنند. هرگز نسبت به شاگردان نظر تحقیرآمیز نداشتند، حرف شاگرد را می‌شنیدند، اگر وقت نبود بعد از درس می‌نشستند و گوش می‌کردند و جواب آن را می‌دادند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۵۵). استاد مطهری نسبت به عالمان راستین بخصوص اساتید خود نیز تواضع زیادی داشتند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۷۱). اگر در مواردی شاگردی، در کلاس دارای اخلاق و رفتار شایسته نبود، اگر یک بار درس را درست جواب می‌داد او را به‌خاطر رفتارش تشویق می‌کرد (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۶۴، ص ۲۳۶). استاد مطهری به‌نظم خیلی اهمیت می‌دادند و به‌موقع به‌سر کلاس درس حاضر می‌شدند و از شاگردان نیز می‌خواستند در وقت معین که قبلاً مشخص شده

در کلاس درس حاضر باشند (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۷۵، ص ۶۸). یکی از بزرگترین رموز آموزشی این است که شاگرد، خود معلم را هم بپذیرد نه تنها زبان و استدلالش را. وقتی وجود معلم را پذیرفت، تحت تأثیر اخلاق و رفتار معلم و از جمله استدلالش قرار می‌گیرد و شهید مطهری چنین خصوصیتی داشت (سید نصری و ستوده، ۱۳۷۸، ص ۳۷۶).

## نتیجه

با توجه به ویژگی‌های معلمی و روش تدریس استاد مطهری - که می‌تواند الگو و نمونه‌ای شایسته برای جامعه‌ی علمی ما باشد - موارد زیر به‌عنوان پیشنهادهای کاربردی به معلمان و استادان دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه توصیه می‌گردد:

۱ - تدریس را به‌عنوان یک عبادت در نظر بگیرند، از اجر و پاداش اخروی آن آگاه باشند و با توجه به موضوع درس برای تفهیم مطالب به‌ذکر آیات و روایات مستند و بیان وقایع مذهبی بپردازند تا به تدریس خود جنبه معنوی دهند.

۲ - با تسلط علمی بر سر کلاس درس وارد شوند و تا مطلبی را خوب نفهمیده‌اند به تدریس آن نپردازند. وظیفه‌ی معلمان و اساتید این است که در درجه‌ی اول سعی کنند که عالم و دانا باشند. زیرا هیچ معلمی بدون علم نمی‌تواند معلم خوبی باشد.

۳ - سعی کنند در ابتدای تدریس، مقدماتی را برای آن درس که شامل ریشه و سابقه‌ی موضوع درس و خلاصه مفاهیم قبلی مربوط به این درس می‌باشد، بیان نمایند و آن‌گاه به موضوع اصلی درس جدید بپردازند.

۴ - تدریس خود را جهت‌دار و هدفمند سازند تا شاگردانشان به‌ارزش و اهمیت موضوع تدریس آگاه گردند و دچار این سؤال نشوند که این بحث‌ها به‌چه درد می‌خورد و در کجا کاربرد دارد. سعی نمایند ارتباط مسائل و مباحث درس را با مسائل و مشکلات جامعه‌ی خود روشن سازند و در واقع کاربرد مطالب درسی را در جهت حل مسائل اجتماعی به‌خوبی مشخص نمایند.

۵ - بر اساس نیازهای واقعی تربیتی و آموزشی شاگردان به‌کار خود ادامه دهند.

۶ - در برخورد و رفتارشان با شاگردان و هم‌چنین هنگام پاسخ‌گویی به‌سؤالهای آنان بسیار متین و توأم با مهربانی و خوشرو باشند و هرگز نظر و گفتار تحقیرآمیز نسبت به‌شاگردان

خود نداشته باشند. به‌طور کلی در رفتار و کردارشان آداب معاشرت و اصول عالی‌ی اخلاق اسلامی را رعایت نمایند و در واقع الگویی عملی برای شاگردان خود باشند.

۷ - مطالب درسی را با زبان ساده و قابل فهم و همراه با مثال‌ها و شواهد مناسب توضیح دهند. از شاگردان در حد استعداد و ظرفیت آنان، یادگیری مطالب را بخواهد.

۸ - در هنگام انتقاد، احساسات و عواطف شاگردان را در نظر بگیرند تا بیش از آنچه که لازمه‌ی یک انتقاد سالم و سازنده است با طرف مقابل خود برخورد پیدا نکند.

۹ - با جدیت و شور خاص و در واقع با تمام وجود و اعتقاد به تدریس بپردازند تا تدریستان جذاب و گیرا باشد و هم‌چنین به‌نظم و انضباط و وقت‌شناسی در تدریس اهمیت داده و آن را رعایت نمایند.

## منابع

- باقی نصرآبادی، علی (۱۳۷۸). رمز موفقیت استاد شهید مطهری. تهران: جهاد دانشگاهی.
- تسخیری، محمد علی (۱۳۶۰). این است نقش عبادات. ترجمه محمد محمدی. قم، نشر حجت.
- دوانی، علی. (۱۳۷۶). خاطرات من از استاد شهید مطهری. تهران: صدرا.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۷۹، اردیبهشت). شهید مطهری، الگوی ترویج اسلام ناب، ش ۲۱۸۹۸، ضمیمه، ص ۳.
- روزنامه انتخاب. (۱۳۸۱، اردیبهشت). شهید مطهری در عرصه فلسفه پژوهشی، ۸۷۲، ص ۶.
- جمعی از صاحب‌نظران. (۱۳۶۴). جلوه‌های معلمی استاد. تهران: دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه‌ها.
- جمعی از صاحب‌نظران (۱۳۷۵). تأملی در نظام آموزشی حوزه. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- جمعی از فضلاء (۱۳۶۶). سرگذشتهای ویژه از زندگی استاد مطهری. قم: مؤسسه نظر و تحقیقات ذکر، جلد دوم.
- جاوید موسوی، سید حمید. (۱۳۷۷). سیمای استاد در آینه نگاه یاران. تهران: صدرا.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۶۰). یادنامه استاد شهید مطهری. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- سید ناصری، حمیدرضا و ستوده، امیررضا (۱۳۷۸). پاره‌ای از خورشید: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- صدر، سیدمحمد باقر. (۱۳۵۹). کلیاتی پیرامون عبادات اسلامی. ترجمه جمال موسوی. تهران: روزبه.
- فصلنامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان. (۱۳۸۰، بهار) سیری در سیره استاد شهید مطهری. ۱۱.
- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۶۰). یادنامه استاد شهید مطهری. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- واعظی‌نژاد، حسین. (۱۳۷۴). طهارت روح، نماز و عبادت در آثار شهید مطهری. قم: ستاد اقامه نماز.